



الاتار الباقية

*
رضا کوهکن

شود و او را از مراجعه به کتابهای متفرقه و پرسش از اهلس درباره آنها بی نیاز کند.^۲

بیرونی به اختصار تمام، محور مباحث الاثار را بیان و بر این نکته تأکید می‌کند که در زمان وی آثار پراکنده و متفرقه‌ای درباره گاه‌شماری و گاه‌شناسی موجود بوده که یا به شکلی غامض و دشوار فهم نوشته شده یا آنکه تنها درباره مسأله یا موضوعی خاص در موضوع فوق به رشته تحریر درآمده بود. ابوریحان در ضمن این کتاب «نکات پر ارج بسیاری درباره مسایل نجومی، جشنها و اعیاد اقوام گوناگون، مراسم فرقه‌های مذهبی، گزارشی راجع به مدعیان نبوت و مطالبی بدیع در تاریخ ملوک بابل، کلد، مصر، ایران، روم و یونان مطرح کرده است.»^۳ و به معرفی و بررسی تاریخ‌های مشهور نظیر تاریخ هجری و تاریخ یزدگردی و برخی دیگر تاریخ‌های غیر مشهور پرداخته است. به علاوه در این کتاب می‌توان مطالبی درباره نوروژ، غدیر و عاشورا یافت. همچنین درباره تسطیح اشکال کروی بر صفحه - یا به بیان دقیق‌تر، «تصویر» از آن جهت که با مفهوم امروزی «تسطیح» در هندسه ترسیمی خلط نشود؛ و نیز درباره ماهیت ذوالقرنین و اختلاف آمت‌های مختلف در این باره را مطرح می‌کند. در عین حال دامنه مسایل و مطالب مورد بحث در الاثار چنان وسیع است که حتی اشاره به تک تک آنها مقدور نیست.

سراسر کتاب مملو از اطلاعاتی است که از زوایای مختلف می‌توان آنها را تحلیل نمود. به عنوان نمونه توضیحات ابوریحان درباره اختلاف درباره ماهیت ذی‌القرنین از منظرهای مختلف نقد تاریخی، علم و دین، و تاریخ مذاهب، و تاریخ ملل قابل بررسی و ارزیابی است. در این کتاب در موارد مختلفی از آیات قرآن و احادیث و فقراتی از تورات و انجیل به مناسبت‌های مختلف استفاده شده است، گاهی آیه‌ای یا حدیثی نقل شده است و سپس شواهدی تاریخی در تأیید آن ذکر شده است؛ به عنوان نمونه ابوریحان، ابتدا آیه ۳۶ / ۹ قرآن را که بر اساس آن، تعداد ماههای سال را دوازده اعلام می‌کند، نقل می‌کند و سپس توضیح می‌دهد که همه آمت‌ها جز یکی بر این منوال رفته‌اند. چنانکه از نحوه بهره‌گیری وی از آیه فوق مشهود است، ابوریحان برای عبارات علمی قرآنی واقع‌نمایی قابل بوده است. وی گاهی نیز برای تأیید سخن خود متوسل به آیات و احادیث و کتب مقدس می‌شود و از آنها شاهد می‌آورد.

الف) ابوریحان بیرونی

ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ ق) از بزرگترین عالمان دوره اسلامی است که آثار گرانمایه‌ای از خود به جای گذاشته است. وی از اوان جوانی تحت ارشاد و تعلیم منجم و ریاضی‌دان بزرگ آن عصر ابو نصر منصور بن علی بن عراق قرار گرفت و از همان آغاز جوانی به تألیف و تحقیق پرداخت. ابوریحان تألیفات بسیاری در زمینه وسیعی از موضوعات مختلف از جمله: علوم ریاضی، نجوم، جغرافیا، علم‌الحیل، کانی‌شناسی، طب، تاریخ، ملل و نحل و فلسفه از خود به جای گذاشته است^۱، که در این میان وزنه ریاضی و نجوم سنگینی می‌کند.

ابوریحان تألیف الاثار الباقیه عن القرون الخالیه را در حدود سال ۳۹۰ هجری قمری، و به نام شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر زیاری به زبان عربی به انجام رسانده است، با این وجود پیوسته طی سالیان بعد تصحیحات و اضافاتی بر آن نموده است.

ب) الاثار

موضوع محوری الاثار، گاه‌شماری و گاه‌شناسی اقوام مختلف ایرانی، عرب، یونانی، یهودی، صابئی و مسیحی است که این امر به خوبی در عنوان کتاب و عنوان فصل‌های آن نمایان است. بیرونی خود در دیباچه الاثار هدف از نگارش آن را چنین بیان می‌کند:

«یکی از ادیبان از من درباره تاریخ‌هایی که آمت‌های «مختلف» به کار می‌گیرند و اختلاف موجود در اصولی که مبادی آن است و فروغی که ماه‌ها و سال‌های آن است و از موجباتی که اهلس را به آن می‌خواند، پرسید و نیز درباره جشن‌های مشهور و روزهای یاد شده برای اوقات و امور و جز آن و درباره اعمالی که بعضی آمت‌ها برغم بعضی آمت‌های دیگر انجام می‌دهند، سؤال کرد. او مرا سفارش نمود که آن را به واضح‌ترین طریقه ممکن تبیین کنم تا به فهم کننده در آن نزدیک

* کارشناس ارشد فلسفه علم و عضو هیئت علمی دانشگاه زابل

به علاوه، ابوریحان دربارهٔ کتب مقدس تورات و انجیل و اصالت آنها نظراتی دارد. در مجموع نگارنده معتقد است که الاثار علاوه بر حوزه‌های تاریخی و تاریخ علوم، زمینه‌های نوین تحقیق را در زمینه‌های «علم و دین» و «تاریخ مذاهب» در اختیار می‌گذارد و به‌جاست که به این زمینه‌ها توجهی بیش از پیش شود.

الاثار حاوی اطلاعات و مواد علمی در زمینهٔ ریاضی و نجوم نیز هست که این موارد به صورت فرعی و در جهت توضیح مطلب اصلی کتاب مطرح شده است و گرنه ابوریحان در این کتاب قصد تألیف در زمینهٔ ریاضی و نجوم را نداشته است.

با این وجود باید از سخن زنده یاد ابوالقاسم قربانی یاد کنیم که «هر چند بیرونی در شعبه‌های مختلف علم به تصنیف و تألیف پرداخته، ولی اصالت فکر و نبوغ وی در آثار ریاضی و نجومی که از وی باقیمانده، بهتر ظاهر و هویداست. دلبستگی وی به ریاضیات از این رو معلوم می‌شود که هرجا در تصنیفات خود فرصت مناسبی به دست آورده، از پیش کشیدن مطالب ریاضی و بحث در آنها کوتاهی نکرده است.»^۵ بدین ترتیب در آثار الباقیه که به موضوع گاه شماری اختصاص دارد؛ در هنگام توضیح چگونگی ثبت ارقام در طلیسان مضاعف به معرفی اصولی در تصاعد هندسی و طرح مسأله مشهور «تضعیف خانه‌های شطرنج»^۶ می‌پردازد که البته طلیسان مضاعف رابطه‌ای با مسأله شطرنج ندارد و بیرونی فقط برای آنکه روش نوشتن اعداد را در دستگاه‌های مختلف شمار نشان دهد، به عنوان نمونه، مسأله شطرنج را طرح و حل کرده است^۷ که این خود از گرایش عمیق ابوریحان به ریاضیات حکایت می‌کند.

ج) روش ابوریحان در الاثار

ویژگی برجسته الاثار روشی است که در آن به کار می‌رود. بیرونی در این باره چنین توضیح می‌دهد:

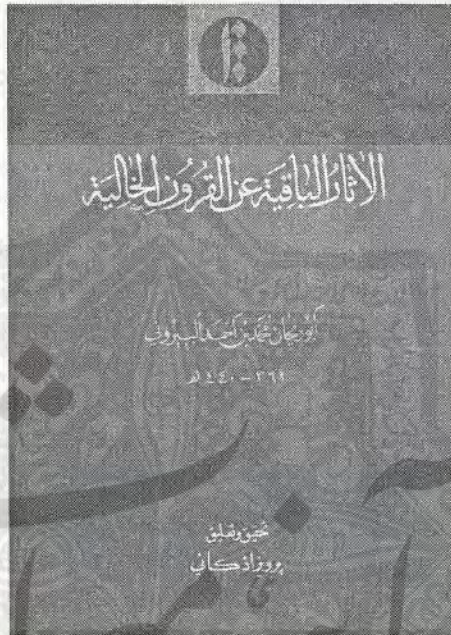
«و دانستم که تألیف این کتاب کاری دست نیافتنی است که منابع و مأخذ آن اندک است و در مقابل کسی که انجام آن را از مجرای ضروریات می‌خواهد به گونه‌ای که در دل فرد آگاه بر آن هیچ شبهه‌ای نخلد، سر تسلیم فرود نمی‌آورد. ولیکن من... با به کارگیری منتهای توان و نهایت سعی خویش در توضیح و تبیین آن توفیق یافتم، البته آن قدر که دامنهٔ دانشم می‌رسید و با استفاده از طرق گوش کردن^۸ یا نگرستن^۹ و سنجش^{۱۰}»^{۱۱}

آنچه ابوریحان در ابتدا از دشواری تألیف این کتاب می‌گوید، در واقع بیانگر گوشه‌ای از مسایل و دشواری‌های پژوهش تاریخی است. در تاریخ، به موضوع پژوهش که اوضاع و احوال گذشتگان است، دسترسی

مستقیم نداریم و وقوف ما به آنها از طریق شواهد تاریخی صورت می‌گیرد. در زمان بیرونی آثار مکتوب ذریبط که بر جای مانده، اندک، پراکنده و مختص به مواردی خاص بوده است که البته این آثار از منابع بیرونی، و یکی از اهداف وی، بهره‌گیری و یکپارچه کردن این اطلاعات پراکنده بوده است. از دیگر مواردی که می‌توانسته است به عنوان منبع مورد استفاده ابوریحان قرار گیرد، شنیده‌های وی از اقوال رایج در بین عموم یا عالمان یک امت خاص برای پی بردن به عقیدهٔ آنها دربارهٔ موضوع خاص است؛ این منبع از آن جهت قابل اهمیت است که در آن زمان هنوز بسیاری از علوم و اعتقادات ملت‌ها به شکل مکتوب و انتشار یافته در دسترس قرار نداشت و طبیعی است که پرسش کردن و گوش کردن یکی از راه‌های اصلی کسب معرفت تاریخی باشد. اساساً الاثار سرشار از اطلاعاتی تاریخی است که بیرونی از شنیده‌های خود از دیگران، خصوصاً از علمای معاصر خود از اقوام و ملل مختلف بیان می‌کند، نکته قابل ذکر آن که همین نقل قول‌های بیرونی و اشاره‌های او به علمای معاصر به منبعی برای مورخان و پژوهشگران دوره‌های بعدی جهت شناخت عصر بیرونی تبدیل شده است. به عنوان نمونه از طریق الاثار اطلاعات سودمندی دربارهٔ سجزی، ریاضیدان برجسته سیستانی کسب کرده‌ایم. به این نکته در بخش نقد و ارزیابی چاپ جدید باز خواهیم گشت.

از دیگر شیوه‌های کسب معرفت تاریخی از نظر بیرونی، نگرستن است؛ مشاهده آنچه هم‌اکنون ملت‌های گوناگون به عنوان میراث علمی و فرهنگی ادوار طولیل گذشته به کار می‌برند. بیرونی در دوره‌هایی از زندگی خود سفرهای طولانی داشته است و اقوام و ملل گوناگون رادیده است و با عالمان ملل چه در سفرها و چه در محل سکنی خود در ادوار مختلف ملاقات داشته است و آنچه را که آنان و اقوام و ملل در ارتباط با گاه شماری و گاه‌شناسی به کار می‌گرفته‌اند، ثبت کرده است.

با این وجود، بیرونی صرفاً انتقال دهندهٔ شنیده‌ها و دیده‌های خود نیست که اگر چنین می‌بود، کتاب او تنها ارزش یک سفرنامه را داشت و نه بیشتر. بیرونی خود یک عالم بزرگ است و قدرت تحلیل و سنجش اقوال و دیده‌ها را دارد. و بدینگونه است که سنجش به عنوان دومین رکن پس از گوش کردن یا نگرستن در نظر وی مطرح است. تنظیم و مقایسهٔ اقوال گوناگون کاری است که بیرونی به بهترین وجه آن را انجام داده است و در اکثر موارد علاوه بر تنظیم و مقایسهٔ آنها، دربارهٔ قوت و ضعف آنها نیز قضاوت کرده است و در مواردی خود علاوه بر قضاوت، راه حل‌های نوینی نیز پیشنهاد کرده است، به عنوان نمونه در تسطیح کره بر سطح مستوی این موارد حاصل آن چیزی است که بیرونی تحت عنوان سنجش در روش خود از آن یاد می‌کند. بیرونی به خوبی از ماهیت پژوهش تاریخی آگاه است و آن را از نوع



«استدلال از طریق معقولات» و «قیاس با توجه به مشاهده محسوسات»^{۱۲} نمی‌داند. وی به آرا و گفتار علما و ملّت‌ها و دلایل شان گوش فرا داده است و سپس به دور از «تعصب و پیروی هوای نفس»^{۱۳} به سنجش آنها پرداخته است و این طریق را بهترین روش برای دستیابی به حقیقت احوال گذشتگان می‌داند، زیرا اخبار و گزارش‌های تاریخی با بسیاری سخنان باطل آمیخته است. بیرونی در پی آن بوده است که آیا شواهدی برای بطلان خبر خاصی وجود دارد یا خیر. اگر شواهدی بر بطلان آن موجود بود، آن خبر را به عنوان باطل کنار می‌گذاشته است و در غیر این صورت به مشاهده احوال طبیعی و آزمودن آن جهت یافتن شواهدی برای تأیید یا ابطال آن و یا بهبود آن بوده‌اند.^{۱۴}

موضوع «دوری از تعصب و پیروی هوای نفس» در روش علمی بیرونی، جای تأمل بسیار دارد. باید توجه داشت که بین تعصب و پابندی نظری و حتی عملی به نظریه‌ها تفاوت است چنانکه بیرونی همچون اکثریت دیگر معاصران خود به نظریه بطلمیوسی زمین مرکزی وفادار ماند، اما رویکرد فوق در روش علمی بیرونی به وی امکان داد که بتواند نظر سجزی را در مورد خورشید مرکزی ببیند و تحسین کند و ردّ آن را دشوار داند. در این راستا، نگارنده به فضل الهی در آینده نزدیک در مورد «روش علمی بیرونی» تحقیق خواهد کرد.

د) تصحیح و تعلیق اثر

جای بسی خوشحالی است که یکی از پژوهشگران برجسته این مرز و بوم به تصحیح نوین الآثار الباقیه همت گماشت و اثر به یادماندنی ابوریحان را جانی تازه بخشید. این اثر پس از آنکه زاخائو آن را در سال ۱۸۷۸ بر اساس سه نسخه که هر یک دارای نقایص و سقطات و اغلاطی بود، ویرایش نموده بود و پژوهشگرانی نظیر زالمان، کروازه، ریتز، گاربرس، فوک، خالدوف، و غیره نیز اطلاعاتی جدید دربارهٔ نسخ الآثار فراهم آوردند و بدین ترتیب ساقطات چاپ زاخائو آشکار گردید و نسخه‌های کاملی به دست آمد، معماری دیگر می‌بایست تا با آن مصالح، بنا را تجدید نماید. این چنین بود که ویرایش جدید الآثار با تحقیق و تعلیق دکتر پرویز ادکایی توسط مرکز نشر میراث مکتوب منتشر شد.

ادکایی علاوه بر آنکه از جایگاهی در خور، در میان پژوهشگران ایران برخوردار است، به طور خاص دربارهٔ ابوریحان بیرونی نیز مطالعاتی وزین انجام داده است. سالها قبل کتاب کارنامهٔ بیرونی را نگاشت و در دهه ۷۰ کتاب ابوریحان بیرونی را به چاپ سپرد و اکنون در سال ۱۳۸۰ تصحیح الآثار الباقیه را به انجام رسانده است و القانون بیرونی را در دست ترجمه دارد.

ایشان به علاوه، مقاله «ابوریحان بیرونی» دایرةالمعارف تشیع را نیز در سال ۱۳۸۰ نگاشته است و این همه نشانگر آشنایی وافق ادکایی با ابوریحان و آثار اوست.

ه) مشخصات چاپ جدید

زاخائو در ۱۸۷۸ الآثار را تصحیح انتقادی کرد. وی با «اجتهاد و فراست علمی حسب سیاق دریافتی بود که پاره‌هایی از متن اثر نسبت به اصل

ساقط می‌باشد.»^{۱۵} ادکایی با استفاده از آخرین تحقیقات و با استفاده از نسخ کاملی که یافته شده و با بهره‌گیری از متن «ساقطات چاپ زاخائو» که بعداً توسط کاربرس و فوک به چاپ رسید، ویرایش بی‌بدیل را به جامعهٔ بیرونی شناس عرضه کرد؛ چایی که انتظار عده زیادی از ایران شناسان و شرق شناسان را برآورده خواهد کرد.

مصحح در تبویب کتاب، آن را به ۲۲ فرگرد (فصل) تقسیم کرده است. شایان ذکر است که کتاب در اصل ۲۱ گفتار داشته است که مصحح، گفتار بیست و یکم را به دلیل اینکه بخش واپسین آن از اضافات بعدی مؤلف و بدون ربط موضوعی با بخش قبل آن است، به دو فرگرد تقسیم کرده است. سپس هر یک از ۲۲ فرگرد کتاب را به این شکل فقره بندی کرده، که در هر فرگرد، بندهای (پاراگراف‌های) آن را از ابتدا تا آخر با شماره‌های پیاپی از یک «بند بندی» کرده است و آنگاه در سر صفحه‌های کتاب نیز شمارهٔ فرگرد و شمارهٔ بندهای دو صفحهٔ مقابل هم ذکر شده است. مصحح ابراز داشته است که این نوع تبویب را برای تسهیل در ارجاعات به کتاب توسط پژوهندگان بیرونی شناس انجام داده است.

ادکایی در تصحیح متن آوانوشت یا واجنوشت اصطلاحات علمی و فنی و اسامی اعلام کهن را به لاتین آورده است و ثانیاً سعی نموده است «تا جایی که ممکن باشد با اعراب گذاری و سجاوندی‌ها قرائت متن را... آسان و اسباب درک معانی و مطالب را فراهم آورد.»^{۱۶} وی از رسم‌الحظ امروزی استفاده نموده و در جهت روزآمد کردن متن کهن تلاش کرده است.

تعلیقات پس از مقدمه و متن قرار گرفته است و حاوی اکثریت تعلیقات زاخائو و کثیری تعلیقات جدید توسط ادکایی است که در جهت توضیح و شرح اصطلاحات علمی و فنی فراوان متن و مطالب و مسایل تاریخی و علمی آن ضروری به نظر رسیده است.

سرانجام پس از تعلیقات، نمایگان قرار گرفته است. برای متن کتاب و تعلیقات هفت نمایه با عنوان زیر در نظر گرفته شده است:

۱. فهرست مراجع ۲. نام‌های کسان ۳. نام جایها ۴. تیره‌ها و پیوندان ۵. واژگان نهادین ۶. کتابها و نامک‌ها ۷. Names Index

و) محاسن چاپ جدید

از محاسن صوری این طبع، چاپ واضح، قلم مناسب، اعراب گذاری متن، فاصلهٔ مناسب بین سطور، شیوهٔ تبویب مصحح و نیز ذکر صفحهٔ متقابل از چاپ زاخائو است که موجبات بهره‌گیری بهتر محققان را فراهم می‌آورد. مصحح در توضیح شیوهٔ جدید تبویب کتاب ابراز می‌دارد که «مقصود اصلی از این کار در وهلهٔ اول همانا سهولت و تسهیل امر ارجاع می‌باشد.»^{۱۷} تا هم مردم عادی و هم مردم فرهیخته یا نویسندگان و پژوهشگران با ارجاع به شمارهٔ فصل (ف) و شمارهٔ بند (ب) آن کفایت کند. مثلاً جشن سده در صص ۸۲ - ۲۸۱ متن طرح شده است که در ارجاع معمول چنانکه اعمال کرده‌ایم، شمارهٔ صفحات ذکر می‌شود اما با این شیوهٔ جدید ارجاع باید بنویسیم ۶۶/۷ - ۶۷/IX یعنی مطلب فوق در فصل ۹ بندهای ۶۶ و ۶۷ طرح شده است.

به اعتقاد نگارنده، این شیوهٔ تبویب در مقایسه با شیوهٔ معمول تبویب،

مطالعه متن را آسان تر می کند، زیرا پژوهنده در بالای هر صفحه، شماره فصل و شماره بندهای دو صفحه مقابل هم را نیز علاوه بر آنچه به طور معمول در بالای صفحه ثبت می شود، ملاحظه می کند، از این جهت امری مثبت و قابل تحسین است.

باین وجود، به نظر نمی رسد که این شیوه، تسهیل خاصی در امر ارجاع پدید آورد، زیرا پژوهنده نهایتاً باید شماره فصل و بند را برای مراجعه به قسمت مورد نظر به شماره صفحه تبدیل کند یعنی در پی صفحه ای باشد که آن بندهای خاص از فصل مورد نظر در آن واقع است. به عنوان نمونه برای یافتن مطلب درباره جشن سده ۶۶/۷ - ۶۷؛ ۶۷ IX در عمل به صص ۸۲ - ۲۸۱ تبدیل می شود^{۱۹}.

علاوه بر این، خود مصحح نیز کاملاً به شیوه جدید پایبند نبوده است و به دلایل فنی یا هر دلیل دیگر در ارجاعات نمایگان آخر کتاب بر اساس همان شیوه معمول عمل کرده و به صفحات ارجاع داده است. بدین ترتیب، در واقع کار خود را در تبویب نا تمام گذاشته و در عمل شیوه جدید را نقض و نفی کرده است؛ در حالی که به راحتی می توانسته است با اعمال این شیوه در نمایگان آن را تکمیل کند. و البته این شیوه ارجاع و تبویب چیز غریبی نیست چنانکه در کشف الایات قرآن نیز بی هیچ مشکلی امر ارجاع به همان صورتی که ادکایی در اینجا پیش گرفته، صورت می گیرد؛ با این تفاوت که آنجا به شماره آیه / سوره ارجاع داده می شود و اینجا به شماره بند / فصل.

البته، علل و عواملی که مصحح را به این تبویب واداشته است و نیز اقبال یا ادبار جامعه علمی به این نوع تبویب موضوع دیگری است که از جهت نخست موضوعی فردی و روانشناختی و از دومین جهت جامعه شناختی است و در هر حال به مقصود اصلی مصحح خللی وارد نمی کنند.

یکی دیگر از محاسن تصحیح دکتر ادکایی، روزآمد کردن متن الاثار می باشد. ادکایی با کوله باری از تجربه و علم و با به کارگیری شیوه های مناسب سعی نمودند تا متنی روزآمد که برای خواننده امروزی - خصوصاً غیر عرب زبان - به سهولت قابل بهره برداری باشد، ارایه کنند. برای خواننده امروزی باید متن را به ساختار زبانی امروز بازنویسی کرد، البته تا به آن حد که به محتوای کتاب لطمه ای وارد نشود.

طبع زخاٹو و نیز طبع ادکایی دارای تعلیقات مفیدی است که ادکایی در این جهت کار زخاٹو را تکمیل کرده است و هر جا که لازم دیده، تعلیقات جدیدی به متن افزوده است. جمع تعلیقات زخاٹو - ادکایی مجموعه مناسبی را در جهت شناخت بهتر محتوای الاثار به دست می دهد. این مجموعه تعلیقات حاوی اطلاعات سودمند متنوعی درباره مفاهیم و افراد مختلفی است که به مناسبتی در متن ذکر شده اند.

از طرف دیگر، این مجموعه تعلیقات نشانگر سیر تحول تحقیقات ایران شناسی و شرق شناسی از زمان زخاٹو تا کنون است. زخاٹو درباره تعداد قابل توجهی از دانشمندان، آثار و مفاهیمی که در الاثار ذکری از آنها رفته است، اظهار بی اطلاعی می کند و این، نه به دلیل کمی اطلاعات و دانش زخاٹو و نه دلیل عدم دسترسی وی به منابع بوده است، بلکه عموماً به آن جهت است که آن موارد تا به آن زمان شناخته شده نبوده و اطلاعات خاصی درباره آنها موجود نبوده است. اما از آن

زمان تا کنون فهرست نسخه های خطی کتابخانه های فراوانی انتشار یافته است و اطلاعات بسیاری درباره نسخ و تحقیقات متنوعی درباره دانشمندان، آثار و آن مفاهیم صورت گرفته است که اندوخته ای جدید به همراه آورده که ادکایی سعی نموده است از این اندوخته بهره گیرد و تعلیقات را روزآمد کند.

نمونه ای از تحول مذکور در فوق را در تعلیقه شماره ۸۷ ملاحظه می کنیم. این تعلیقه درباره ابو سعید احمد بن محمد بن عبدالجلیل سجزی ریاضیدان و منجم برجسته سیستانی است. تا زمان زخاٹو چنانکه از تعلیقه پیداست، سجزی ناشناخته بوده است که ادکایی در طبع حاضر به معرفی مفید و مختصر سجزی پرداخته است. امروزه اطلاعات فراوانی درباره سجزی در دست داریم و تحقیقات متعددی درباره او و آثارش انجام شده و تعدادی از آثار وی نیز تصحیح و چاپ شده و ابعاد مختلف وی در ریاضی، نجوم، احکام نجوم و فلسفه ریاضی آشکار شده است. نگارنده در مقاله ای مفصل بر اساس آخرین تحقیقات و منابع داخلی و خارجی - خصوصاً تحقیقات جدید پژوهشگران خارجی - به معرفی مقام علمی و آثار ابو سعید سجزی پرداخته است که در مجله تاریخ علم ایران چاپ می شود.

مقدمه و تعلیقات مصحح به زبان فارسی است و این بر اساس رسم پسندیده ای است که اکثریت مصححان در هنگام تصحیح متنی که به زبان مادری آنها نیست، مقدمه و تعلیقات را به زبان مادری خودشان می نویسند. مقدمه و تعلیقات فارسی الاثار علاوه بر آنکه فی نفسه ارزشمند است، از آن جهت نیز که ارجی برای زبان فارسی و خدمتی به آن است، قابل تحسین می باشد.

چاپ جدید، دارای نمایگانی مفصل و گسترده است که به بهره گیری بهتر خوانندگان از کتاب کمک خواهد کرد.

از همه مهم تر، باید از شیوه تصحیح انتقادی مصحح یاد کنیم. این شیوه بهترین شیوه و معتبرترین آن است که برتری های ویژه ای بر دیگر شیوه ها دارد که در عین حال بسیار وقت گیر است و احاطه مصحح را بر بسیاری مطالب و موضوعات طلب می کند تا مصحح در عین حال که به تصحیح متن می پردازد، در مواردی که نیاز است به توضیح و تشریح و حتی نقد مفاهیم یا مطالب اهتمام ورزد. هم زخاٹو و هم ادکایی متن را به این شیوه تصحیح کرده اند و کار سنگین و دشوار تصحیح متن کهن را به خوبی به انجام رسانده اند. مایه خرسندی است که پژوهشگران در کشور ما چنین زحمت عظیم را به جان می خردند و چنین کار پر زحمت و طاقت فرسایی را با موفقیت تا سر منزل مقصود پی گیری کرده اند.

نکات انتقادی ما متوجه مقدمه مصحح است. مقدمه مصحح فارسی ویژگی های مثبت بسیار دارد که در آن به معرفی سابقه نسخ الاثار و چاپ های آن و بیان خصوصیات طبع کنونی پرداخته است. اما این مقدمه از چند جهت نقص هایی دارد که به آن اشاره می کنیم.

مصحح پس از آنکه دلایلی در توضیح عدم معرفی شخصیت ابوریحان و موضوع کتاب الاثار می آورد، بلافاصله در بند دوم مقدمه به سابقه نسخه نویسی از الاثار می پردازد اما معرفی مجمل مؤلف و اثر وی امری ضروری است.

پسندیده است که در مقدمه آثار خطی که به چاپ می رسند، مؤلف و

کتاب به مخاطبان معرفی شود و در این راه پیش‌فرض ما آن است که برای مخاطبی عام که احاطه کامل بر موضوع ندارد، اثر را معرفی می‌کنیم. حتی اگر مقدمه برای مخاطبانی که کاملاً نویسنده و اثر را می‌شناسند نیز نوشته شود، برای کامل شدن اثر خوب است که در مقدمه معرفی معمولی از اثر و مؤلف صورت گیرد. هیچ یک از دلایلی که ادکایی آورده است از جمله «آوازه بلند بیرونی و الاثار» و «پرهیز از اطناب و تفصیل زاید» و اینکه او خود کتابی مستقل در معرفی بیرونی دارد، دلیل موجهی برای عدم درج معرفی اجمالی اثر و مؤلف نیست و لازم بود حداقل در بندی (پاراگرافی) به معرفی ابوریحان و در بندی دیگر به معرفی مختصر اثر او بپردازد؛ کمالینکه بیرونی خود تنها در یک بند اثر خود را معرفی کرده است که نگارنده ترجمه آن را در ابتدای این مقاله آورده است.

ح) جمع بندی

طبع جدید الاثار که با تحقیق و تعلیق دکتر پرویز ادکایی، توسط مرکز نشر میراث مکتوب منتشر شده است، نگین زرینی است که سالها بر تارک نشر میراث علمی این مرز و بوم خواهد درخشید و بی شک همه اهل فن در همه جا خواهان آنند. این طبع محاسن بسیار دارد که در جای خود ذکر کرده‌ایم و حاصل چهار سال سعی و رنج ادکایی است؛ مصححی که با علم به سختی راه، آستین همت بالا زد و به عرصه تصحیح الاثار گام نهاد. با این وجود این طبع معایب اندکی نیز دارد که در یک فضای نقد عالمانه می‌توان به معایب آن پی برد و با رفع آنها در چاپ بعدی آن را مزین‌تر کرد.

پی‌نوشتها

۱. ادکایی، پ. ابوریحان بیرونی، ص ۵۷۴
۲. بیرونی، الاثار، ص ۴
۳. موحد، ص. الاثار، ص ۱۰۳
۴. قربانی، تحقیقی در آثار ریاضی ابوریحان بیرونی، صص ۸۲-۹۴
۵. همان، ص ۱۶-۱۷
۶. همایی، ج. مقدمه التفهیم، ص ۱۲۷
۷. قربانی، تحقیق در آثار ریاضی ابوریحان بیرونی، ص ۷
۸. سماع
۹. عیان
۱۰. قیاس
۱۱. بیرونی، الاثار، ص ۴ (تأکید از نگارنده)
۱۲. همان، ص ۵
۱۳. همان، ص ۵
۱۴. همان، ص ۵
۱۵. مقدمه ادکایی بر الاثار، ص یا
۱۶. مقدمه ادکایی بر الاثار، ص کج
۱۷. مقدمه ادکایی بر الاثار، ص کا
۱۸. مقدمه ادکایی بر الاثار، ص ک
۱۹. البته در این روش اصلاً حاجتی به ذکر صفحه نیست، مثل کتابهای کلاسیک و یا کتب مقدس، کافی است گفته یا نوشته شود: الاثار، ف ۹، ب ۶۶ و ۶۷. [میراث مکتوب]

منابع

۱. ادکایی، پ. «ابوریحان بیرونی»، دایرةالمعارف تشیع، ج ۳، نشر شهید سعید محبی، صص ۵۷۴، ۱۳۸۰
۲. بیرونی، ابوریحان. الاثار الباقیه عن القرون الخالیه، تصحیح و تعلیق از پرویز ادکایی، مرکز نشر میراث مکتوب، تابستان ۱۳۸۰
۳. بیرونی، ابوریحان. التفهیم، تصحیح و تعلیق از جلال‌الدین همایی، تهران، ۱۳۵۲
۴. قربانی، ا. تحقیق در آثار ریاضی ابوریحان بیرونی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴
۵. کوهکن، ر. «مقام علمی و آثار ابو سعید سجزی»، در دست چاپ
۶. موحد، ص. الاثار، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد اول، صص ۵-۱۰۳، تهران، دفتر دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴

به عنوان یک نقد دیگر باید از بعضی سخنان تقریباً زائد مصحح در مقدمه یاد کنیم. وی در جایی برای یادآوری وقوف خود از موضوعات نظری در زمینه تصحیح متون می‌نویسد: «ما از موارد تصحیح قیاسی یا حفظ نص و مص چیز می‌گوییم (این حرفها را خود بلد هستیم)». که البته این لحن، کنایه‌آمیز در مقدمه اثری مشهور و پر ارج که قطعاً مورد استفاده ایرانشناسان، شرقشناسان و پژوهندگان ذربط ایرانی و خارجی خواهد بود، جایی نخواهد داشت. به علاوه مقدمه این کتاب جای عرضه و رقابت مباحث نظری حوزه تصحیح متون نیست. مجلات تخصص فلسفی و نظری وجود دارند که مصحح محترم می‌تواند در آن مجلات مقالاتی شایسته به چاپ رسانند.

از دیگر نکاتی که تردیدهایی را در پی دارد، اظهار نظر مصحح درباره نسخه «پترزبورگ آثارالباقیه» است. وی آن نسخه را ندیده است و به عکس، فیلم یا تصویری از آن دسترسی نداشته است و تنها یکی از دوستان او وقتی نسخه را رؤیت کرده است. بر این اساس وی قضاوت می‌کند که «ما ندیده (بر حسب قراین معین) حدس می‌زنیم که نسخه «پترزبورگ» ۱۳ سال پس از نسخه عمومی استانبول (عس) هم از روی آن نوشته آمده؛ در این صورت زیاد هم متأسف نباید بود، اطمینان داریم که فقدان آن ابدأ در کیفیت طبع حاضر تأثیری نداشته است.»^{۱۸} صرفنظر از آنکه تأیید ۱۳ سال فاصله استتساخ این نسخه با عس را از قول همان دوستان حجة الاسلام دکتر سید محمود مرعشی نقل می‌کند، هیچ دلیلی آرایه نمی‌کند که چگونه دانسته است که این نسخه از روی نسخه عس نوشته شده و بنابراین نسخه عس اساسی‌تر است. به علاوه چگونه اطمینان یافته‌اند که فقدان آن هیچ تأثیری در کیفیت طبع کنونی نداشته است. نکته دیگر آنکه اینجا مکان حدس زدن نیست. از دو حال خارج نیست: یا مصحح می‌توانسته‌اند به نسخه دسترسی داشته باشند که در آن صورت به طور یقین و با اطمینان می‌توانستند درباره آن داوری کنند، یا آنکه نمی‌توانسته‌اند که ظاهراً در این مورد حالت اخیر اتفاق افتاده است. در این صورت به راحتی می‌توانستند ذکر کنند که به آن نسخه دسترسی نداشته‌اند و تصحیح بر اساس نسخ دیگر صورت گرفته است.